

تفسیر المیزان و چگونگی تناسب لفظی و معنوی آیات قرآن در سور جزء ۲۸*

محمدهادی امین ناجی**

مدینه شبانی***

چکیده

تناسب آیات از موضوعات پراهمیت و عین حال چالش برانگیز میان قرآن پژوهان و مفسران است. در این تحقیق پس از بیان شرح مفاهیم و نیز تبیین مبانی نظری و رویکرد علامه طباطبایی (ره) در رابطه با دانش تناسب آیات، با محوریت جزء ۲۸ قرآن کریم به تبیین نمونه‌هایی از موارد توجه مفسر المیزان به اشکال مختلف تناسب آیات پرداخته شده است. بررسی این موضوع با محوریت المیزان، از طرفی به لحاظ درک میزان اهتمام مفسر در این اثر ارزشمند به دانش تناسب آیات و در نتیجه تقویت نظری مبانی علم تناسب، و از طرفی دیگر، از حیث ملاحظه مصادیقی از تناسب میان آیات و آشنایی با روش و رهیافت مؤلف در این رابطه، واجد اهمیت می‌باشد. روش انجام تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی با تأکید بر تحلیل نمونه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به رغم عدم اعتقاد علامه به توقیفی بودن مطلق ترتیب و نظم آیات قرآن کریم، توجه و دقت نظر ایشان به ارتباط و پیوستگی و حکمت توالی آیات به ویژه در نظر گرفتن تناسب غرضی آیات یک سوره، نشانگر پذیرش تناسب میان آیات قرآن کریم و اهمیت بالای آن در نزد مفسر است. در این میان، تفسیر المیزان، نمونه‌های متعددی از اشکال مختلف تناسب اعم از تناسب ظاهری و تناسب موضوعی و مفهومی را در آیات سوره‌های جزء ۲۸ قرآن کریم به تصویر می‌کشد که به ویژه از مجرای توجه مفسر به سیاق و اتصال آیات قبل و بعد و کشف رابطه میان آنها در کنار اهتمام به تبیین غرض و هدف کل آیات یک سوره یا دسته‌ای از آیات آن، حاصل شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تناسب آیات، تفسیر المیزان، جزء ۲۸، تناسب ادبی، تناسب مفهومی، غرض آیات.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۵

** دانشیار دانشگاه پیام نور، گروه علمی علوم قرآن و حدیث و نهج البلاغه، Aminnaji@pnu.ac.ir

*** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، مرکز لواسانات (نویسنده مسئول)

Shabani1380@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم، میراث گرانبهای پیامبر خاتم(ص) و معجزه جاویدی است که برای بشریت به ودیعه گذاشته شده است و بنا به تصریح خود، تمامی حقایق و معارف در آن نهفته و هیچ خرد و کلان و تر و خشکی در این کتاب، در مسیر هدایت و سعادت انسان، فرو نگذارده نشده است. بر این اساس، خداوند، انسان‌ها را به تفکر و تأمل در این کتاب ارزشمند دعوت می‌کند. امری که به رغم تلاش‌های وافر در طول قرن‌ها همچنان آنطور که بایسته و شایسته، وجهه توجه و همت اندیشمندان و پژوهشگران، قرار نگرفته است.

اقیانوس علوم و معارف قرآن کریم عرصه پهناوری است که برای بهره‌مندی از ذخایر و منابع غنی آن باید از مبانی و ابزارهای مناسب و کارآمد، بهره جست. یکی از زمینه‌های مهم کشف علوم قرآن به ویژه از منظر گشودن دریچه‌های پنهان به سوی مفاهیم عمیق آن، علم یا روشی است که از آن به «تناسب» یا «مناسبت» تعبیر شده است. اگر چه «تناسب» را در قرآن کریم از کوچکترین جزء (حروف و تکواژها و کلمات) تا آیات، عبارات و سور قرآنی، چه در فصاحت و چه در بلاغت، می‌توان مشاهده نمود و لذا در معنای عام، اصطلاح مزبور به طور بالقوه، طیف وسیعی را شامل می‌شود، لیکن مقصود از علم تناسب غالباً در رابطه با نسبت بلاغی و مفهومی آیات قرآن کریم و سوره‌های آن در وضعیت‌های مختلف است.

به هر تقدیر علم تناسب آیات که از زمینه‌های اختلافی و بحث برانگیز علوم قرآنی چه در میان اندیشمندان و مفسران اسلامی و چه در نگاه مستشرقان و خاورشناسان است، به واسطه ضرورت‌ها، منافع و خصوصاً کاربرد تفسیری آن، از علوم بسیار حائز اهمیت و نیازمند توجه و تأمل بیشتر چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی (اثبات و کشف ارتباط آیات)، می‌باشد.

در این رابطه، تفسیر المیزان از جمله تفاسیر منسجم شیعی می‌باشد که به نظر می‌رسد تناسب آیات قرآن کریم را به ویژه در چارچوب هر سوره مورد توجه قرار داده است. لذا

تفسیر المیزان و چگونگی تناسب لفظی و معنوی آیات قرآن در سور جزء ۲۸ ۳۷

این تحقیق به دنبال آن است که با بررسی تناسب آیات در یک جزء از قرآن کریم (به عنوان نمونه‌ای از کل این تفسیر)، میزان پابندی مفسر آن را به بحث انسجام و تناسب آیات در قرآن و بهره‌مندی از آن در تفسیر، بررسی نماید.

به لحاظ پیشینه نظری، در تحقیقات گذشته تناسب آیات از منظر تفسیر المیزان در پاره‌ای از تحقیقات محدود مورد توجه قرار گرفته است. از جمله، مقبلی هنزایی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان بررسی تناسب آیات در تفسیر المیزان از دیدگاه علامه طباطبایی با تکیه بر سوره احزاب، دیدگاه علامه درباره تناسب آیات را با محوریت سوره احزاب و تدقیق در انسجام و تناسب آیات یک سوره از نظر ایشان، بررسی نموده است. فرید (۱۳۹۲)، به بررسی تطبیقی تناسب آیات و سوره از دیدگاه علامه طباطبایی و بقاعی و افتراق مبانی این دو مفسر در بحث تناسب، توجه نموده است. همچنین پرچم و رحیمی (۱۳۹۰)، به مطالعه دو نگرش سعید حوی و علامه طباطبایی در تناسب و پیوستگی آیات و سوره‌ها، نظر داشته‌اند. فقهی‌زاده و آزادی (۱۳۹۲) نیز روابط برون سوره‌ای (تناسب سور) را از دیدگاه علامه طباطبایی بحث نموده‌اند.

با ملاحظه پژوهش‌های پیشین، وجه تمایز تحقیق پیش رو، بررسی نظر علامه طباطبایی (ره) راجع به تناسب آیات قرآن کریم آن هم به طور محدود و مشخص و در قلمرو جزء ۲۸ قرآن کریم است که با این رویکرد تا کنون تحقیقی انجام نگرفته است و لذا می‌توان پژوهش حاضر را عنوانی مستقل و بدیع در این زمینه قلمداد نمود.

۱- مفاهیم نظری

جهت تمییز و تبیین قلمرو بحث لازم است در آغاز به صورت مختصر به تعریف تناسب آیات و مفاهیم مرتبط با آن بپردازیم.

الف- معانی لغوی و اصطلاحی تناسب

تناسب از ریشه سه حرفی (ن س ب) مشتق گردیده است و به معانی قیاس و ارتباط و اتصال یک چیز با چیز دیگر، ارتباط خویشاوندی و وجود ارتباط دو طرفه میان دو چیز

و... آمده است. (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق.: ۵/۴۲۳-۴۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۲/۹۴)

سیوطی در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» در مقام تعریف مناسبت، چنین مقرر می‌دارد: مناسبت در لغت، همشکل بودن و نزدیک به هم بودن را می‌گویند، و در آیات و مانند آنها به معنی ربط دهنده بین آنها بر می‌گردد، حال عام باشد یا خاص، عقلی یا حسی یا خیالی یا انواع دیگر علاقه‌ها و یا تلازم ذهنی، مانند سبب و مسبب، و علت و معلول و دو نظیر و دو ضدّ و امثال اینها». (سیوطی، ترجمه حائری قزوینی، ۱۳۹۴: ۳۸۶) همچنین، فخر رازی در تفسیر کبیر خود در تبیین علم مناسبت می‌نویسد، اکثر لطائف قرآن در نظم و ترتیب و ارتباط میان اجزای آن، به ودیعه نهاده شده است.^۱ (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۰/۱۱۰) و برهان الدین عمر بقاعی در کتاب «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور» می‌نویسد: علم مناسبات قرآن علمی است که به وسیله آن، علل چگونگی نظم و ترتیب یافتن اجزای قرآن باز شناخته می‌شوند. (بقاعی، ۱۴۱۵: ۵/۱) علامه طباطبایی نیز در المیزان گرچه تعریفی از تناسب ارائه نمی‌دهد لیکن با بهره‌گیری و استعمال عناوین و اصطلاحاتی چون بیان، غرض، تناسب، اتصال، نظم، ترتیب، پیوستگی و انسجام، عملاً تناسب آیات را وجهه نظر قرار داده است. برای مثال، ایشان ذیل آیات ۱۴۲ الی ۱۵۱ سوره بقره می‌فرماید: «این آیات اگر مورد دقت قرار گیرد، آیاتی است زنجیروار، منتظم و مترتب بر هم ...» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۴۷۸)

در مجموع با توجه به تعبیر اندیشمندان و قرآن پژوهان از علم تناسب، در تعریف ساده آن می‌توان چنین بیان داشت: علم مناسبت یا تناسب، یکی از شاخه‌های علوم قرآنی است که در آن به چگونگی ارتباط و پیوند میان آیات و سوره‌های قرآن کریم در وجوه و حالت‌های مختلف و کشف این ارتباط با هدف بهره‌مندی از جنبه اعجاز کلام الهی و توسعه

۱. «أكثر لطائف القرآن مُدعاة في الترتيبات و الروابط»

دانش تفسیر و شناخت صحیح تر احکام و معارف قرآنی و دانش‌های نهفته در این کتاب عظیم، پرداخته می‌شود.

ب- مفاهیم مرتبط با تناسب

برخی اصطلاحات، ارتباط تنگاتنگی با اصطلاح «تناسب» دارند حال چه به عنوان مترادف یا متلازم و یا مصداقی از تناسب؛ و لذا جهت تنویر قلمرو بحث، نیازمند بازشناسی مفهومی هستند.

- سیاق: سیاق از ریشه «سوق» گرفته شده و در اصل، به معنی راندن و به حرکت درآوردن چارپایان است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۱۷/۳) در معنای لغوی، «سائق» کسی است که از عقب کاروان، آن را به جلو می‌راند یا از پشت سر، شتران را به جلو می‌راند؛ در عربی معاصر نیز به راننده، «سائق» می‌گویند و به بازار هم از این حیث سوق گفته می‌شود که اجناس و کالاهای مورد نیاز مردم از هر طرف به آن جا حرکت داده می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۶۶-۱۶۸) در معنای اصطلاحی، سیاق، یکی از قرائن پیوسته لفظی (و غیرمعنوی) است و در تعریف آن می‌توان چنین بیان داشت: ساختار و فضای کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای آنها اثر می‌گذارد (رجبی، ۱۳۸۳: ۹۲) به گونه‌ای که گاهی افزون بر معنای هر یک از کلمه‌ها و سپس معنای جمله، معنایی دیگر را نیز برای آنها به همراه خواهد آورد. (خامه‌گر، ۱۳۷۶: ۱۱۹)

در مقام مقایسه «سیاق» و «تناسب»، گفتنی است که سیاق و استفاده از آن راهکار اصلی برای کشف تناسب در سطوح مختلف می‌باشد. چنانکه هر کدام از سطوحی که برای این دو مفهوم بیان می‌شود،^۱ دقیقاً متناظر با یکدیگر بوده و در واقع برای کشف هر سطح از تناسب، باید از سیاق سطح متناظر آن استفاده کرد. برای مثال برای سطح تناسب آیات در سوره‌ها، باید از سیاق آیات در سوره‌ها استفاده کرد. (برزگر، ۱۳۹۰: ۳۷)

۱. سطوح مزبور شامل؛ تناسب واژگان و جملات درون یک آیه با یکدیگر، تناسب آیات درون یک سوره با یکدیگر و تناسب سوره‌ها در کل قرآن با یکدیگر. و متناظراً در خصوص سیاق نیز می‌توان به سطوح: سیاق واژه‌ها در جمله، سیاق جمله‌ها در عبارت، سیاق آیات در سوره و سیاق سوره‌ها در قرآن، اشاره نمود. (ر.ک برزگر، ۱۳۹۰: ۱۲-۳۸)

- غرض: غرض با سیاق مرتبط است. در واقع غرض می‌تواند نتیجه تأمل در سیاق باشد. همانطور که علامه طباطبایی در آیات ۱۸۳ الی ۱۸۵ سوره بقره، سیاق و چگونگی چینش آیات پشت سر یکدیگر را سوق دهنده به سوی غرض آنها می‌داند: «آیات سه گانه مورد نظر با توجه به سیاق، به هم متصل و همانند کلام واحدی هستند که سوق دهنده به سوی یک غرض مشخص و معین است و آن غرض عبارت است از بیان وجوب روزه ماه رمضان». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۴ و ۵)

بدین ترتیب، در کلام علامه، سیاق، عامل سوق دهنده به سوی غرض (مقصود) است که گاهی در بیان ایشان به «غرض واحد» (غرض سوره) تعبیر شده است. به طور کلی سیاق عبارات آیه، سیاق آیات در سوره‌ها و سیاق سور قرآنی بر همین منوال سوق دهنده به سوی غرضی مشخص هستند؛ همانطور که مجموعه واحد قرآن کریم نیز غرضی مشخص دربردارد که می‌توان گفت غرض مجموعه یکپارچه قرآن کریم، هدایت بشر است. - توقیفیت: در اصطلاح علوم قرآنی، «توقیفیت» در رابطه با موضوع «جمع قرآن» بوده و به این معناست که آنچه از قرآن کریم به ما رسیده است، از نظر نظم کلمات و عبارات، ترتیب آیات و چینش سوره‌ها، چیزی است که پیامبر(ص) تحت امر پروردگار، به آن دستور فرموده است. (ایازی، ۱۳۷۵: ۱۱) نظریه توقیفی بودن آیات و سور قرآن کریم در مقابل نظریه اجتهادی بودن جمع آیات الهی قرار می‌گیرد که بر مبنای آن، عقل و دخالت بشر، در جمع آیات و ترتیب سور، ممکن است. نظریه توقیفی بودن، (به ویژه در خصوص سور قرآن) از مسائل اختلافی در میان قرآن پژوهان است.

علم تناسب ارتباط تنگاتنگی با نظریه توقیفی بودن ترتیب آیات و سور قرآن کریم دارد؛ تا آنجا که باید اذعان نمود، اثبات تناسب آیات و ارائه شواهدی مبنی بر مناسبات آیات و سور قرآنی، منجر به تقویت نظریه توقیفی بودن می‌شود و از طرفی، پذیرش نظریه

تفسیر المیزان و چگونگی تناسب لفظی و معنوی آیات قرآن در سور جزء ۲۸ ۴۱

توقیفی بودن جمع آیات (به طور مطلق یا نسبی) منجر به شکل‌گیری یک مبنای نظری و در نتیجه تلاش در تشخیص تناسب میان آیات در حد بضاعت علمی مفسر خواهد شد.^۱

ج- مقصود از تناسب آیات و تمایز آن از تناسب سور

بحث تناسب، مراتب و سطوحی دارد و از جنبه‌های مختلفی ارتباط و اتساق اجزای قرآن (شامل حروف، واژگان، عبارات، آیات و سوره‌ها)، مطمح نظر نویسندگان و مفسرین قرار گرفته است. در این میان آنچه به طور خاص مقصود از تناسب آیات می‌باشد، در نظر گرفتن وضعیت آیات قرآن کریم چه از حیث قرارگیری عبارات در درون یک آیه، چه از حیث قرارگیری آیات در درون یک سوره و چه از حیث ارتباط و رابطه آیات در سوره‌های مختلف، می‌باشد. اما در تناسب سور، بحث در خصوص ارتباط و علت چینش سوره‌های قرآن و توقیفی بودن یا اجتهادی بودن این مسأله (در وضعیت ترتیب کنونی سور) چه از حیث ارتباط یک سوره با سوره مجاور یا چند سوره متوالی و یا کل سوره‌های قرآن (به عنوان یک پیوستار)، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنابراین با توجه به موضوع مقاله حاضر که بررسی نگاه تفسیر المیزان به تناسب آیات در جزء ۲۸ قرآن کریم است، آنچه محل بررسی است، تناسب آیات چه از منظر تشکیل سوره واحد، چه از منظر درون آیه‌ای (عبارات آیه) و چه از منظر برون آیه‌ای (آیات همجوار و غیرهمجوار) و دسته‌ای از آیات با دسته‌ای دیگر از آیات اعم از این که در یک سوره یا در سوره‌های مختلفی مدنظر باشد، خواهد بود.

۲- استخراج مبانی نظری تفسیر المیزان در رابطه با تناسب آیات

از خلال مباحث المیزان و نظرات مفسر در رابطه با کتاب الهی و سوره‌ها و آیات آن، می‌توان نظریاتی را مشاهده نمود که مبنا و ریشه توجه و پابندی ایشان را به بحث تناسب آیات تا حدی روشن می‌نماید.

۱. برای دیدن دیدگاه‌های موافق تناسب آیات و مستفید از آن رک. بقاعی، ۱۴۱۵، ج ۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰؛ سیوطی،

۱۴۲۱، ج ۲؛ سید قطب، ۱۴۱۲ ق؛ حوی، ۱۴۱۲؛ شحاته، ۱۹۹۸؛ بی‌آزار شیرازی؛ حجتی، ۱۳۶۳.

الف- نظم، پیوستگی و انسجام آیات

علامه طباطبایی (ره) در فرازهای متعددی از بحث‌های تفسیری خود در کتاب المیزان به پیوستگی و انسجام آیات الهی اشاره دارند. برای نمونه، علامه درباره آیات ۱۴۲ الی ۱۵۱ سوره بقره می‌فرماید: «این آیات اگر مورد دقت قرار گیرد، آیاتی است زنجیروار، منظم و مترتب بر هم که داستان قبله شدن کعبه برای مسلمین را بیان می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۸/۱) همانطور که ملاحظه می‌شود علامه آیات مزبور را به مثابه زنجیره‌ای منظم و منسجم توصیف می‌کند و مشابه این معنا را در توضیح بسیاری از دسته آیات سور به کار برده است که این مبنای نظری خود دلالت بر توجه ایشان به دانش تناسب آیات دارد.

ب- حکمت چینش آیات سور

پیش از این گفته شد میان اعتقاد به توقیفی بودن جمع آیات و ترتیب سور با بحث تناسب آیات و سور قرآن کریم تلازم و رابطه‌ای دو سویه برقرار است. با وجود این با تأملی در مبانی نظری علامه طباطبایی (ره) به رغم این که می‌توان رگه‌های بسیار قوی از توجه به تناسب آیات ملاحظه نمود لیکن ایشان چه در خصوص سوره‌های قرآن و چه در خصوص آیات الهی اعتقاد مطلق به توقیفی بودن چینش آیات و سور قرآن کریم ندارند.

توضیح این که ایشان در ذیل بحث از آیه ۹ سوره حجر^۱، ضمن بیان فصولی در رابطه با مصونیت قرآن از تحریف، در ادامه به بیان مقدماتی راجع به جمع و تدوین قرآن می‌پردازند و در نتیجه این بحث، ابتدا بر این مسأله تصریح می‌ورزند که ترتیب سور قرآن در جمع اول و دوم، با دخالت صحابه (اجتهادی) انجام گرفته است و سپس بیان می‌دارند که ترتیب آیات قرآن نیز توقیفی نبوده و بدون دخالت صحابه انجام نشده است.

با وجود این به نظر می‌رسد نه تنها به واسطه این که ایشان اجتهادی بودن ترتیب آیات را مطلق نمی‌دانند (و در واقع یک نظریه بینابین دارند)^۲ بلکه با توجه به شواهدی که در

۱. ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۱۸۵-۱۹۱.

۲. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ».

تفسیر المیزان و چگونگی تناسب لفظی و معنوی آیات قرآن در سور جزء ۲۸ ۴۳

تفسیر المیزان در خصوص توجه به نظم، پیوستگی و انسجام آیات دیده می‌شود و به ویژه تأکید بر سیاق آیات و بحث‌هایی که با ملاحظه هدفمندی و غرض آیات قرآن ارائه می‌گردد، دلالت بر اهمیت عملی تناسب آیات نزد مفسر دارد.

علامه در جای جای کتاب تفسیری خود بر مسأله هدفمندی آیات الهی (درون آیه‌ای یا میان آیه‌ای) در یک سوره یا در سوره‌های مختلف قرآن تأکید دارند. از طرف دیگر، بر اهمیت هدایت به عنوان غرض کلی کتاب قرآن تأکید دارند و این حکمتی است که در چیش آیات الهی به ویژه در هر سوره نیز مورد نظر است.^۱

ج- غرض و غایت آیات

مهمترین مبنای نظری در تفسیر المیزان توجه به غرض و غایت آیات الهی، به ویژه اغراضی است که هر سوره از قرآن کریم به آن توجه دارد. این جلوه از تناسب آیات به طور متواتر در تفسیر المیزان و به طور خاص در ابتدای سور قرآنی و با طرح بیان آیات یا غرض آیات، مورد توجه قرار گرفته است.

از نگاه علامه طباطبایی، لاجرم کلام خداوند از اول تا به آخرش معنای واحدی دارد، و آن معنای واحد غرضی است که به خاطر آن غرض، کلام خود را به بندگان خود القاء کرده است؛ حال آن معنای واحدی که غرض از کلام خدای تعالی است چیست؟ از آیه: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ»^۲، و آیاتی دیگر، که خاصیت و نتیجه از کتاب و کلام خود را هدایت بندگان دانسته است، فهمیده می‌شود: که آن غرض واحد هدایت خلق است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶/۱)

۱. «در درون هر یک از قطعات کلام وحی الهی، که ذات باری تعالی آن‌ها را سوره نام گذارده است، نوعی از یکپارچگی و تمامیت وجود دارد که این نوع از یکپارچگی و تمامیت نه میان ابعاض یک سوره است و نه میان دو سوره مجزا از یکدیگر...» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۱۶)

۲. عبارت پایانی آیه ۱۵ و عبارت ابتدایی آیه ۱۶ سوره مائده.

علاوه بر این ایشان با استناد به اینکه خدای سبحان کلمه (سوره) را در کلام مجیدش چند جا آورده، از آن جمله فرموده: «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ»^۱ و نیز «فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ»^۲ و فرموده: «فَإِذَا أَنْزَلْتُ سُورَةً»^۳، همچنین: «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا»^۴؛ چنین استنباط می‌نماید که «هر یک از این سوره‌ها طائفه‌ای از کلام پروردگار است، که برای خود و جداگانه، وحدتی دارند، نوعی از وحدت، که نه در میان ابعاض یک سوره هست، و نه میان سوره‌ای و سوره‌ای دیگر. و نیز از اینجا می‌فهمیم که اغراض و مقاصدی که از هر سوره بدست می‌آید مختلف است، و هر سوره‌ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفاء می‌کند، غرضی را که تا سوره تمام نشود آن غرض نیز تمام نمی‌شود». (همان منبع)

در مجموع اعتقاد مفسر المیزان به انتظام و انسجام آیات و حکمت والای چینش آیات که معرف هدفمندی آنان است (ولو اینکه لزوماً به واسطه توقیفی بودن آیات نباشد) و تصریح بر غرض و غایت آیات سور قرآن کریم، ارکان عطف نظر علامه را به بحث تناسب آیات تشکیل می‌دهند.

۳- واکاوی انواع تناسب آیات در جزء ۲۸ از منظر تفسیر المیزان

در این بخش با استفاده از ملاک تقسیم‌بندی تناسب آیات به تناسب ظاهری و ادبی، تناسب موضوعی، تناسب مفهومی و تناسب غرضی،^۵ موارد تناسب آیات را در چارچوب جزء ۲۸ قرآن کریم با تمرکز بر تفسیر المیزان مطرح می‌نماییم. البته با توجه به جایگاه تناسب غرضی در تفسیر المیزان، این بحث به طور مجزا در قالب بخش بعدی مطرح می‌شود.

۱. یونس/۳۸.

۲. هود/۱۳.

۳. محمد/۲۰.

۴. نور/۱.

۵. ر. ک. مقاله وجوه تناسب در واحد منسجم سوره، قاضی‌زاده؛ گرجی، ۱۳۹۵.

الف- موارد تناسب ظاهری و ادبی

منظور از تناسب ادبی مواردی همچون «وصف»، «عطف»، «حال»، «ضمیر»، «بدل»، «شرط و جواب شرط»، «قسم و جواب قسم»، و به طور کلی هر گزاره ادبی است که واژگان و جملات و آیات سوره را به هم متصل می‌کند و در یک سیر معنایی واحد قرار می‌دهد. (قاضی زاده؛ گرجی، ۱۳۹۵: ۲۴)

از بعد ظاهری و ادبی، تفسیر گرانقدر علامه طباطبایی، دربرگیرنده نمونه‌های زیبای تناسب آیات است. ایشان هر جا پیوند یک آیه را بیان می‌کند در حقیقت ارتباط جملات و آیات را بر اساس اصول و قواعد عربی تشریح می‌نماید و به طور کلی در سراسر آیات نقش اعرابی کلمات و جملات را بیان می‌کند که این امر به روشن تر شدن تناسب ظاهری بین آیات کمک شایانی می‌کند. (بکرائی، ۱۳۸۹: ۱۴)

به طور خاص در تفسیر سوره جزء ۲۸ قرآن کریم نیز به تناسب ظاهری و ادبی عبارات آیات توجه شده است که در ادامه صرفاً نمونه‌هایی را از میان موارد بسیاری که در این رابطه قابل اشاره است، ذکر می‌کنیم.

در توضیح «وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جمعه ۳/ مفسر به این مسأله اشاره دارد که «واو» ابتدای آیه عطف کلمه «آخرین» است بر «امیین» (در آیه قبل) و ضمیر «منهم» در این آیه نیز رجوع به امیین دارد و حرف «من» نیز از باب تبعیض است. پس معنی چنین می‌شود: مبعوث نمود در میان مردم امی و مردمی دیگر که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند... (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶۵/۱۹)

ایشان در خصوص عبارت «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ...» (صف ۷) می‌فرماید که استفهام در این آیه شریفه، انکاری است، و می‌خواهد

۱. آیه دوم از سوره جمعه: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.

سخن کفار را که می‌گفتند «هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (در آیه قبل) رد کند، چون معنای آن این بود که محمد(ص) رسول نیست، و دینی که به عنوان دین خدا تبلیغ می‌کند، دین خدای تعالی نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۴۲۹)

در نمونه‌ای دیگر، پیرامون آیه یک سوره طلاق،^۱ راجع به عبارت «وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ»، می‌فرماید، «ظاهر سیاق این است که جمله «بیرونشان نکنید»، بدل باشد از جمله «از خدا، پروردگارتان بترسید» و خاصیت این بدل آوردن تاکید نهی در جمله «بیرونشان نکنید» است. (همان منبع: ۴۱۱)

ب- موارد تناسب موضوعی

در تناسب موضوعی، یک موضوع واحد، حلقه اتصال زنجیره اجزاء متن در سطوح مختلف جمله، آیه، سیاق و سوره است. نمونه‌هایی از تناسب موضوعی، «پاسخ به شبهه و سؤالی که در آیه قبل مطرح شده است»، «بیان جمله استطرادی که ناظر به گذشته است» و نیز «تناسب آیاتی که یکجا نازل شده‌اند»، می‌باشد.

در خصوص تناسب موضوعی میان آیات در جزء ۲۸ که مورد توجه صاحب تفسیر المیزان بوده است (چه در رابطه با نسبت موضوع آیات قبل و بعد در یک سوره و چه در خصوص نسبت موضوع آیه مورد بحث با سایر آیات در سوره‌های دیگر قرآن کریم) نیز موارد عدیده‌ای قابل ذکر می‌باشد. در ادامه به یکی از نمونه‌های آشکار توجه به تناسب موضوعی آیات در تفسیر المیزان که در شرح سوره جمعه رقم می‌خورد، اشاره می‌شود.

به لحاظ موضوعی بین آیه «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (جمعه/۴) با دو آیه، قبل از آن، یعنی: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ، ارتباط وجود دارد طوری

۱. آیه ۱ سوره طلاق: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاللَّهُ رَبُّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا.

که هر دو آیه در رابطه با موضوعی واحد صحبت می‌نمایند. علامه ضمن تصریح بر این ارتباط، می‌فرماید: ارتباط این دو از این حیث است که اشاره «ذلک» به سوی بعثت رسول(ص) است و با استفاده از اشاره دور این امر مسأله‌ای بزرگ و عظیم دانسته شده است و رسول اکرم شخصی است که به چنین امر بزرگ و فضل عظیمی اختصاص یافته است.

بنابراین با ملاحظه آیات قبلی، علامه (ره) در تبیین معنای این آیه می‌فرماید: این مبعوث شدن و اینکه آن حضرت خدا را بخواند و مردم را تزکیه نماید و کتاب و حکمتشان بیاموزد، فضل و عطائی است از جانب خدای تعالی که به هر کس مشیت او تعلق گیرد می‌دهد، و مشیتش تعلق گرفت که آن را به محمد(ص) عطا نماید و خداوند صاحب فضلی عظیم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۲۶۵-۲۶۶)

همچنین در خصوص آیه «وَلَا يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (جمعه/۷) پس از اشاره مفسر به این که خدای عز و جل بعد از پیشنهاد تمنای مرگ به یهودیان «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (جمعه/۶) به پیامبر خود خبر می‌دهد که این یهودیان هرگز تمنای مرگ نخواهند نمود، و این تمنا نکردنشان را تعلیل می‌کند به آنچه در دنیا مرتکب شده‌اند و می‌فرماید: یهودیان به خاطر «بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ» هرگز چنین آرزویی نمی‌کنند؛ و جمله «بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ» کنایه است از ظلم و فسوقی که در دنیا مرتکب شده‌اند، پس معنای آیه این است که: یهودیان به سبب ظلم‌هایی که کردند آرزوی مرگ نمی‌کنند، و خدا دانای به ظالمان است، می‌داند که ستمکاران هیچ وقت لقای خدا را دوست نمی‌دارند، چون دشمنان خدا هستند، و بین خدا و آنان ولایت و محبتی برقرار نیست...؛ سپس در ادامه، مناسب موضوعی آیات اخیر را با آیات ۹۴ و ۹۵ سوره بقره مطرح می‌نماید و بیان می‌دارند: این دو آیه در معنای آیات زیر هستند که می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ(۹۴) وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ(۹۵)

با توجه به کلام علامه، از قرار دادن این آیات در کنار هم می‌توان فهمید که دوستی با خدا زمینه ساز انجام اعمال صالح است و نیز دوستی با خدا در کنار عمل صالح، دلیل اختصاص یافتن سرای آخرت به صالحین و همین امر هم علت اشتیاق به مرگ و فرار نکردن از حقیقت مرگ در آنان است. رشته محبت و سعادت که یهودیان با آن فاصله‌ای بس دراز دارند.

ج- موارد تناسب مفهومی

مراد از تناسب مفهومی میان اجزاء سوره آن است که جمله یا جملاتی، به لحاظ معنا و مفهوم، با مطلب پیش و پس خود رابطه داشته باشد؛ هرچند در برخی موارد، به لحاظ موضوعی میان آنها رابطه‌ای مشاهده نشود. چنین تناسبی به صورت‌های متفاوت ظهور می‌کند؛ از جمله «تأکید مطالب گذشته»، «تفصیل اجمال گذشته»، «بیان مصداق و شاهد برای سخن»، «تعلیل مطلب یادشده»، «تخصیص جمله عام»، و ... (ر.ک. قاضی‌زاده؛ گرجی، ۱۳۹۵: ۲۸)

از میان موارد بسیاری که نسبت مفهومی میان آیات در جزء ۲۸ قرآن کریم مورد توجه مفسر المیزان قرار گرفته است، در این جا دو نمونه را ذکر خواهیم نمود:

در خصوص آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» (مجادله) مفسر المیزان می‌فرماید: این آیه شریفه و آیه شریفه بعدش هر چند ممکن است مطلبی جدید و از نو بوده باشد، و بخواهد بفهماند که مخالفت خدا و رسول او چه عواقبی در پی دارد، و لیکن از ظاهر سیاق برمی‌آید که به آیه قبل^۱ نظر دارد و می‌خواهد ذیل آن را تعلیل نموده، بفهماند که اگر از مخالفت از حدود خدا نهی کردیم، و دستور دادیم که به خدا و رسول ایمان بیاورید، برای این بود که هر کس با خدا و رسول مخالفت کند ذلیل و خوار می‌شود همچنان که امتهای قبل از این امت، به

۱. آیه ۴ سوره مجادله: فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِيُتُومُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

همین خاطر ذلیل شدند. آنگاه مطلب را با جمله «و قد انزلنا آیات بینات و للکافرین عذاب مهین» مورد تأکید قرار داده، می‌فرماید: هیچ شکی در این نیست که این دستورات از ناحیه ما است، و این که رسول ما در تبلیغ رسالت ما صادق و امین است و آنهایی که این دستورات را رد می‌کنند، عذابی خوار کننده دارند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۶/۱۹)

مثال دیگر، آیه «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (حشر/۲۲) است. علامه در بیان رابطه مفهومی این آیه با آیات بعدی و آیات قبلی، می‌فرماید: این آیه با دو آیه بعدش هر چند در مقام شمردن طائفه‌ای از اسمای حسناى خدای تعالی و اشاره به این نکته است که او دارای بهترین اسماء و منزه از هر نقصی است، و آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است شاهد بر این معنا می‌گیرد، و لیکن اگر آن را با مضمون آیات قبل که امر به ذکر می‌کرد در نظر بگیریم، از مجموع، این معنا استفاده می‌شود که افرادی که یادآور خدایند او را با اسمای حسناىش ذکر می‌کنند، و به هر اسمی از اسمای کمال خدا بر می‌خورند، به نقصی که در خویشتن در مقابل آن کمال است، پی می‌برند...؛ و اگر آن را با مضمون آیه قبلی و مخصوصاً عبارت «مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۱ در نظر بگیریم، به علت خشوع کوه و متلاشی شدن آن از ترس خدا پی می‌بریم؛ و معنای مجموع آنها چنین می‌شود: چگونه کوه‌ها از ترس او متلاشی نشود، با اینکه او خدایی است که معبودی بجز او نیست، و عالم به غیب و آشکار و چنین و چنان (با آن صفاتی که برای پروردگار برشمرده است) می‌باشد. (طباطبایی: ۳۸۱/۱۹)

۴- تحلیل تناسب غرضی آیات سور جزء ۲۸ از منظر المیزان

منظور از تناسب غرضی، تناسب میان تمامی آیات یک سوره یا دسته‌ای از آیات است که در این رابطه، علامه به ویژه ذیل عنوان «بیان آیات» به این مسأله پرداخته است. در ادامه،

۱. آیه ۲۱ سوره حشر: لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.

به تفکیک هر سوره، به اختصار مثال‌هایی از میزان در مورد تناسب غرضی آیات در سور جزء ۲۸ را ذکر می‌نماییم و نگاه مفسر در این زمینه را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

الف- سوره مجادله

علامه پس از بیان غرض کلی آیات این سوره و جهات موضوعی آن (طباطبایی: ۳۱۱/۱۹) در مورد آیات ۷ الی ۱۳، اشاره دارند به این که آیات مزبور راجع به نجوی و پاره‌ای از آداب مربوط به مجالست است. (همان منبع: ۳۲۱) در آیات پایانی نیز (آیات ۱۴ الی ۲۲) در خصوص نوع رفتار غیرمنافقانه به ویژه در مواجهه با دشمنان دین، به طور خاص اصول و حقایق مطرح می‌شود. همانطور که علامه در بیان آیات مزبور نوشته‌اند: سرگذشت دسته‌ای از منافقین را ذکر می‌کند که با یهودیان دوستی و مودت و با خدا و رسولش دشمنی داشتند، و ایشان را به خاطر همین انحراف مذمت نموده، به عذاب و شقاوت تهدید می‌کند، تهدیدی بسیار شدید؛ و در آخر به عنوان حکمی قطعی و کلی می‌فرماید: ایمان به خدا و روز جزا نمی‌گذارد انسانی با دشمنان خدا و رسولش دوستی کند، حال این دشمنان هر که می‌خواهند باشند؛ و سپس مؤمنین را مدح می‌نماید به اینکه از دشمنان دین بیزارند، و ایشان را وعده ایمان می‌دهد، ایمانی مستقر در روح و جانشان، ایمانی از ناحیه خدا و نیز به ایشان وعده بهشت و رضوان می‌دهد. (همان منبع: ۳۳۴)

به نظر می‌رسد، در این سوره، علامه غرض آیات را ضمن ایجاد پیوستگی و ارتباط میان به تصویر کشیدن مجموعه‌ای از آداب و صفات رفتاری در جامعه و همچنین کارکرد و انعکاس صداقت و ایمان حقیقی در رفتار افراد دنبال می‌کنند.

ب- سوره حشر

علامه در تشریح فرازی از سوره حشر می‌فرماید: آیه «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» آغاز سوره می‌باشد و سوره با مضمونی افتتاح شده که با همان مضمون نیز ختم می‌شود، چون در آخر سوره باز سخن از تسبیح تمامی موجودات

آسمان‌ها و زمین رفته، می‌گوید: «يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» و اگر سوره را با مسأله تسبیح افتتاح نمود، به خاطر مطالبی است که در خلال سوره آمده است، و آن مسأله خیانت یهود و نقض عهدش، و وعده فریبکارانه منافقین به یهودیان است؛ در واقع، خواسته بفهماند این گونه مکرها بر دامن کبریایی خدا گردی نمی‌نشانند و اگر آیه را با جمله «عزیز» و «حکیم» ختم کرد، برای این است که باز در این سوره سرانجام کار یهود و منافقین را تشبیه کرده به اقوامی که در قرن‌های نزدیک به عصر یهودیان و منافقین وبال فریبکاری‌های خود را چشیدند، و این خود شاهد عزت و اقتدار خداست. همچنین بیان اینکه اگر دچار عذاب شدند، بدین جهت بوده که عذابشان بر طبق حکمت و مصلحت بوده، و این خود شاهد حکمت خدا است». (طباطبایی: ۳۴۸/۱۹-۳۴۹)

همانطور که ملاحظه می‌شود مفسر، در این سوره، هم میان آیات و هم میان کلمات آیات با مضامین سوره ارتباط برقرار می‌نماید و غرض این سوره که اهمیت ذکر و تسبیح الهی و تعمیق باور به کفایت پرورگار در سرنوشت امور است را مطمح نظر قرار می‌دهد.

ج- سوره ممتحنه

طبق نظر علامه، از زمینه آیات این سوره^۱ استفاده می‌شود که بعضی از مؤمنین مهاجر در خفا با مشرکین مکه رابطه دوستی داشته‌اند، و انگیزه آنان در این دوستی جلب حمایت آنان از ارحام و فرزندان خود بوده، که هنوز در مکه مانده بودند. این آیات نازل شد و ایشان را از این عمل نهی کرد. روایاتی نیز که در شان نزول آیات وارد شده، این استفاده را تایید می‌کند، چون در آن روایات آمده که «حاطب بن ابی بلتععه»، نامه‌ای سری به مشرکین مکه فرستاد، و در آن از اینکه رسول خدا(ص) تصمیم دارد مکه را فتح کند به ایشان گزارش داد، و منظورش این بود که منتی بر آنان گذاشته و بدین وسیله ارحام و اولادی که

۱. به ویژه آیه یک سوره ممتحنه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ.

در مکه داشت از خطر مشرکین حفظ کرده باشد. خدای تعالی این جریان را به پیامبر گرامی‌اش خبر داد، و این آیات را فرستاد. (طباطبایی: ۳۸۸/۱۹)

علامه به این مسأله توجه می‌دهند که در انتهای آیات (آیه ۱۳) به همان مفهومی که آیه ابتدایی سوره در رابطه با توصیه اکید به مومنین مبنی بر دوستی نکردن با کافران و دشمنان دین خدا آمده است، ارجاع می‌دهد و به نوعی با توجه به معنای آیه، 'مأیوس بودن این افراد از آخرت و عدم ایمان آنها (که باعث جهت‌گیری رفتاری کافران و هم نشینانشان به سمت ضلالت و تباهی می‌شود) و مورد غضب قرار گرفتن آنها، دلایل بسیار موجهی در دوری کردن از این افراد شمرده می‌شود.

د- سوره صف

به نظر علامه، این سوره، مؤمنین را ترغیب و تحریک می‌کند بر اینکه در راه خدا جهاد نمایند و خبر می‌دهد که این دین نوری است درخشان از جانب خدای سبحان که کفار اهل کتاب می‌خواهند آن را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا نور آن را تمام می‌کند، ولو اینکه آن کافران از این امر کراهت داشته باشند، و پیغمبری که مومنین به وی ایمان آورده‌اند فرستاده‌ای است از طرف خدای سبحان، برای اینکه موجب هدایت باشد، و دین حق را به مومنان برساند، و این همان است که عیسی بن مریم (ع)، بنی اسرائیل را به آمدن او بشارت داد. لذا مؤمنین باید کمر همت بر اطاعتش ببندند، و آنچه امر می‌کند امتثال نمایند. همچنین، مؤمنین باید هرگز آنچه را که خود عمل نمی‌کنند به دیگران نگویند، و در آنچه وعده می‌دهند تخلف ننمایند، که این گونه اعمال، ایشان را مستوجب خشمی از جانب خدا می‌نماید، رسول را آزار می‌دهد و این خطر را هم دارد که خدا دل‌هایشان از مسیر حق، منحرف سازد، همان طور که با قوم موسی (ع) چنین کرد. (طباطبایی: ۴۱۹/۱۹-۴۲۰)

مفسر المیزان در شرح آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/۲) با بذل نظر به ارتباط گروهی میان آیات، می‌فرماید: سیاق و زمینه آیات مورد بحث که آیه «ان

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُوا قَوْلًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ.

تفسیر المیزان و چگونگی تناسب لفظی و معنوی آیات قرآن در سور جزء ۲۸ ۵۳

اللّٰه یحب الذین یقاتلون فی سبیلہ صفا...» (صف/۴) در آن قرار گرفته، و آیه «یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجاره...» (صف/۱۰) در آیات بعد از آن واقع شده، و همچنین آیاتی نظیر اینها که در آن است، می‌فهماند که گویا بعضی از مومنین قبل از جنگ وعده پایداری داده بودند که به هیچ وجه پشت به جنگ نکنند، و پا به فرار نگذارند و یا از بیرون شدن برای جنگ تناقل نورزند، و یا از انفاق در تهیه ابزار جنگ برای خود و دیگران مضایقه نمایند، ولی در موقع عمل خلف وعده کرده‌اند. (همان منبع: ۴۲۱)

علامه ضمن ارتباطدهی میان موضوعات مطروحه در آیات ابتدایی این سوره، و تلقی آنها به عنوان زمینه و مقدمه، آیات پایانی (۱۰ الی ۱۴) را آیاتی می‌داند که غرض نهایی سوره در آن تبلور یافته است (همان منبع: ۴۳۶) و محورهای اصلی آن ایمان و اعتماد به خدا و رسول و جهاد در راه آنها و وعده مغفرت و جنت در آخرت و فتح و نصرت در دنیا است.

ه- سوره جمعه

در تفسیر المیزان، ذیل بیان آیات در سوره جمعه، مقرر شده است که این سوره به بیانی کاملاً انگیزنده، مسلمین را وادار می‌کند که نسبت به نماز جمعه اهتمام بورزند، و آنچه در به پاداشتن این امر لازم است، فراهم سازند، چون نماز جمعه از شعائر بزرگ خداست که تعظیم و اهتمام به امر آن، هم دنیای مردم را اصلاح می‌کند، و هم آخرتشان را، و خدای تعالی بیان این منظور را با تسبیح و ثنای بر خود آغاز کرد که در میان قومی امی رسولی از خود آنان مبعوث کرد تا آیات او را بر آنان بخواند، و با اعمال صالح و اخلاق پاک تزکیه‌شان کند، و کتاب و حکمتشان آموزد و به همین منظور کتاب خدا و معارف دینش را به بهترین وجه بر آنان و افرادی که به آنان ملحق می‌شوند، و نسل‌های بعد از آنان تحمیل کرد، ضمن این که ایشان را زنهار داد از اینکه مثل یهود نباشند که خدای تعالی تورات را بر آنان تحمیل کرد، ولی آنان آن را حمل نکردند، و به معارف آن معتقد نشدند، و به احکامش عمل نکردند، در نتیجه مانند الاغی شدند که بارش کتاب باشد. در آخر به عنوان

نتیجه دستور می‌دهد که وقتی بانگ نماز جمعه بلند می‌شود بازار و دادوستد را رها نموده، به سوی ذکر خدا بشتابند و نیز افرادی را که خلاف این دستور عمل می‌کنند، و رسول خدا(ص) را در حالی که مشغول خطبه نماز است رها نموده، به سوی دادوستد می‌روند، سرزنش می‌کند، و این رفتار را نشانه آن میداند که این گونه افراد معارف کتاب خدا و احکامش را نپذیرفته‌اند. (طباطبایی: ۴۴۴/۱۹)

بنابراین مشاهده می‌شود که علامه با عطف توجه به نسبت میان اهمیت فریضه نماز جمعه و لزوم التزام به آن با ضرورت ایمان به معارف دین و عمل به احکام الهی و دوری از اموری که موجب منع انسان از التزام به معارف و احکام دین می‌شود، به غرض این سوره نظر داشته‌اند.

و- سوره منافقون

علامه طباطبایی (ره) در رابطه با غرض سوره منافقون بیان می‌دارند که این سوره وضع منافقین را توصیف می‌کند، و آنان را به شدت عداوت با مسلمین متهم ساخته است، و رسول خدا(ص) را دستور می‌دهد تا از خطر آنان بر حذر باشد، و مؤمنین را نصیحت می‌کند به اینکه از کارهایی که سرانجامش نفاق است بپرهیزند، تا به هلاکت نفاق دچار نگردند، و کارشان به آتش دوزخ منجر نشود. (همان منبع: ۴۶۹)

بر این اساس در آیات ۹ و ۱۰ این سوره، از دو وصف نفاق آور، مومنین را نهی می‌نماید و به بیانی در این آیات، مؤمنین را تذکر می‌دهد به اینکه از بعضی صفات که باعث پیدایش نفاق در قلب می‌شود، بپرهیزند؛ که یکی از آنها سرگرمی به مال و اولاد و غافل شدن از یاد خداست، و یکی دیگر، بخل است. صفت اول را در آیه نهم اینگونه به تصویر می‌کشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» علامه، پس از توضیح این آیه و ارتباط آن با دیگر آیات قرآن که مضمونش مذمت اشتغال به زینت دنیا و غفلت از خدا است (همان منبع: ۴۹۰) صفت دوم را اینگونه

بیان می‌دارند: در آیه بعد هم با تأکید بر عبارت «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ...» (منافقون/۱۱) مؤمنین را به انفاق در راه خیر از آنچه روزی آنها نموده است، امر می‌کند.

ز- سوره تغابن

در رابطه با سوره تغابن علامه طباطبایی اعتقاد دارند که این سوره از نظر سیاق و نظم شبیه به سوره حدید است، و گویی خلاصه‌ای از آن است، و غرض سوره این است که مؤمنین را تشویق و تحریک کند به اینکه در راه خدا انفاق کنند، و غرض دیگرش این است که ناراحتی‌ها و تاسف‌هایی که در اثر هجوم مصائب در دل‌هاشان نشست برطرف سازد، و نوید دهد که اگر در راه ایمان به خدا و جهاد در راه او و انفاق در آن راه مشقاتی را متحمل می‌شوند، همه به اذن خدا است.

طبق نظر علامه، آیاتی که در صدر سوره واقع شده جنبه مقدمه و زمینه‌چینی برای بیان این غرض را دارد، در آن آیات بیان می‌کند که اسمای حسنی و صفات علیای خدا اقتضا می‌نماید که برای بشر بعث و بازگشتی فراهم سازد، تا همه به سوی برگردند و در آن بازگشت اهل ایمان و عمل صالح، به سوی بهشت جاودان هدایت شوند، و اهل کفر و تکذیب به سوی آتش ابدی رانده شوند، پس این مطالب مقدمه چینی است برای آیات بعد که می‌فرماید: باید خدا و رسول را اطاعت کنید و بر مصائب و نیز در برابر انفاق در راه خدا خویشتن‌دار باشید، بدون اینکه از منع موانع متأثر و از ملامت شماتت‌گران بیمی به خود راه دهید؛ و این سوره به شهادت سیاق آیاتش در مدینه نازل شده است. (طباطبایی: ۱۹/۴۹۵)

علامه (ره) ضمن تفسیر آیات نیز به این پیوستگی مضمونی و غرضی توجه دارند آنطور که در تشریح آیه «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (تغابن/۵) به این نکته توجه می‌دهند که چون مقتضای اسمای حسنا و صفات مذکور در آیات قبلی این بود که خدای عزوجل برای مردم معادی برقرار کند، پس لازم بود این

مقتضا را اعلام نماید، و شرع و دینی را که لازم است برای تامین سعادت معاد خود داشته باشند، اعلام بدارد، و بر همین اساس بعثت رسولانی برای انذار و تبشیر لازم شد. در این راستا، سرگذشت اقوامی را به یاد می‌آورد که در زمان‌های پیش زندگی می‌کردند، و نسبت به دین خدا کفر ورزیدند، و به همین جهت وبال امر (آثار سوء کفر و فسوق) خود را چشیدند، و در آخرت نیز عذابی دردناک دارند؛ آنگاه از این یادآوری منتقل می‌شود به اینکه چرا کفر ورزیدند؟ و می‌فرماید: سبب کفرشان تکذیب رسالت بود، و سبب تکذیبشان هم انکار بعث و معاد بود. در آخر نتیجه می‌گیرد که: پس بر مردم حاضر واجب است به خدا و رسولش و دینی که بر آن رسول نازل فرموده ایمان بیاورند. (همان منبع: ۴۹۸)

ح- سوره طلاق

به بیان علامه (ره)، این سوره مشتمل بر بیان کلیاتی از احکام طلاق است، و به دنبال آن مقداری اندرز و تهدید و بشارت است و این سوره به شهادت سیاقش در مدینه نازل شده است. ایشان در مورد آیات ۸ الی ۱۲ این سوره، به این امر اشاره دارند که آیات موعظه و تهدید و بشارت است، و با این اندرزها توصیه به تمسک به احکام خدا را مورد تأکید قرار می‌دهد، و یکی از آن احکام همان احکام طلاق و عده است (که در آیات قبل از آن مطرح گردید)، و در قرآن کریم هیچ توصیه ای درباره هیچ حکمی به قدر احکام راجعه به زنان تأکید نشده است و این نیست مگر به خاطر اینکه دنبال این احکام و این توصیه‌ها خبری (و مقصودی) هست. (طباطبایی: ۵۲۴/۱۹ و ۵۴۲)

همچنین در رابطه با انذار سختی که آیات ۸ و ۹ و ۱۰ به آنها اشاره می‌کنند و سپس آمدن عبارت فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا؛ آن را نتیجه‌گیری از خطاب قبلی می‌دانند که به مؤمنین می‌فرماید: باید بر حذر باشید و نفستان را از اینکه در مقابل امر پروردگارتان عتو و استکبار کند، و از اطاعت او شانه خالی نماید، جلوگیری کنید، تا وبال عتو و خسران عاقبت که به اهل آن قریه‌ها رسید به شما نرسد. علامه اشاره

دارند به اینکه تأکید بر خردمندان، دلالت بر بکارگیری عقل به جهت آگاهی و عبرت گرفتن از تجربه سایر اقوام است که در مقابل خدایشان سرکشی و تمرد کردند و فرجام آنان چنان شد. (همان منبع: ۵۴۴-۵۴۵) و گویی در آیه بعد بشارتی است برای همان خردمندان که توصیه‌های الهی را فهم نمودند.

ملاحظه می‌شود که علامه در این سوره میان آیات راجع به احکام طلاق و اندرز و تهدید و بشارت‌هایی که به مومنین داده شده است با تأکید بر لزوم فرمانبرداری از احکام الهی و پیروی از دین او، در راستای بیان غرض و غایت مجموعه آیات بهره می‌گیرند.

ط - سوره تحریم

در رابطه با سوره تحریم مفسر المیزان بیان می‌دارند: این سوره با داستانی که بین رسول خدا(ص) و بعضی از همسرانش اتفاق افتاد آغاز شده، و آن این بود که به خاطر حادثه‌ای پاره‌ای از حلال‌ها را بر خود حرام کرد، و بدین سبب در این آیات آن جناب را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا به خاطر رضایت بعضی از همسرانت، حلال خدا را بر خود حرام کردی، و در حقیقت و به طوری که از سیاق بر می‌آید عتاب متوجه همان همسر است، و می‌خواهد رسول گرامی خود را علیه آن همسر یاری کند.

بعد از نقل این داستان مؤمنین را خطاب می‌کند به اینکه جان خود را از عذاب آتشی که آتشگیرانه‌اش انسان و سنگ است نگه بدارند، و بدانند که به جز اعمال خود آنان به ایشان جزایی نمی‌دهند، جزای ایشان خود اعمالشان است، و معلوم است که هیچ کس نمی‌تواند از عمل خود بگریزد پس هیچ کس از این جزا خلاصی ندارد، مگر پیغمبر و آنهایی که به وی ایمان آوردند. آن‌گاه بار دیگر رسول خدا(ص) را به جهاد با کفار و منافقین خطاب می‌کند. در آخر، سوره را به آوردن مثلی ختم می‌کند، مثلی از زنان کفار، و مثلی از زنان مؤمنین، و در اینکه سیاق سوره ظهور در مدنیت آن دارد حرفی نیست.

(طباطبایی: ۵۵۲/۱۹)

در قسمت پایانی این سوره (آیات ۱۰ الی ۱۲)، آیات کریمه متضمن دو مثل است: ... مثل اول وضع کفار را در شقاوت و هلاکت روشن نموده، بیان می‌کند که اگر چنین شدند به خاطر خیانتی بود که به خدا و رسولش کردند، و سرانجام خیانت به خدا و رسول همین است، از هر کس که می‌خواهد سر بزند، هر چند از کسی سر بزند که وابسته و متصل به انبیا باشد، و مثل دوم بیانگر این حقیقت است که سعادت و رستگاری مؤمنین هم تنها به خاطر ایمان خالص آنان به خدا و رسول و قوتشان و حسن اطاعتشان بوده است، و اتصال و خویشاوندی که با کفار داشتند ضرری به حالشان نداشت، پس معلوم می‌شود ملاک کرامت نزد خدا تنها و تنها تقوی است و بس. و برای مجسم کردن این معنا، نخست حال این طایفه اول را به حال دو زن در تاریخ مثل میزند، که هر دو مورد، همسر دو پیامبر بزرگوار بودند، ... و با این حال این دو زن به آن دو بزرگوار خیانت کردند، و در نتیجه فرمان الهی رسید که با سایر دوزخیان داخل دوزخ گردند، ... اما طایفه دوم را به دو زن دیگر تاریخ مثل میزند، یکی همسر فرعون است که ... خدای تعالی او را نجات داد و داخل در بهشت کرد، و قدرت همسری چون فرعون و کفر او نتوانست به ایمان وی خدشه‌ای وارد سازد؛ و دوم، مریم دختر عمران است، ... در این تمثیل، تعریض سختی به دو همسر رسول خدا(ص) شده است، که آن دو نیز به آن جناب خیانت کردند و سر او را فاش ساخته، علیه او دست به دست هم دادند و اذیتش کردند، و مخصوصاً وقتی می‌بینیم سخن از کفر و خیانت و فرمان (داخل دوزخ شوید) مطرح شده است، در می‌یابیم که این تعریض تا چه حد شدید است. (همان منبع: ۵۷۵)

بنابراین در این سوره، قضیه‌ای که برای پیامبر رخ می‌دهد و رفتار ناشایست برخی همسران و تذکر غیرمستقیم به آنها مقدمه‌ای در نظر گرفته شده برای بیان معیار سعادت و شقاوت افراد و قرار گرفتن آنان در گروه کافران و مومنان، که همان عمل آنان است و این که هیچ امتیاز دیگری برای اشخاص قرار داده نشده است و خداوند بی‌نیاز از بندگان است

و قادر است بهتر از آنان را جایگزین کند و تنها راه نجات مومنین، توبه حقیقی به سوی خداوند است. در پایان، اهمیت ملاک عمل هر فرد، با تمثیلی که به دو گروه از زنان شاخص تاریخ صورت می‌گیرد کاملاً ملموس و قابل درک می‌شود.

نتیجه

در خصوص تناسب آیات قرآن کریم از منظر تفسیر المیزان به‌رغم این که علامه طباطبایی (ره) در رابطه با اعتقاد به توقیفی بودن چینش آیات قرآن کریم به دیده تردید نگریسته‌اند؛ لیکن اولاً نگاه ایشان به توقیفی یا اجتهادی بودن جمع آیات قرآن کریم یک نگاه یک سویه و مطلق نیست بلکه نظری بینابین است بنابراین توقیفی بودن همه آیات را رد نمی‌کنند بلکه احتمال اجتهادی بودن جمع برخی آیات را تقویت می‌نمایند؛ ثانیاً تناسب آیات اگرچه با توقیفی بودن جمع آیات تا حدی ملازمه دارد لیکن وابسته به آن نیست چرا که در بحث تناسب آیات صرفاً نسبت میان آیاتی که پشت سر هم قرار گرفته‌اند مورد بررسی نخواهد بود و وجوه گسترده‌تری مورد امعان نظر است؛ ثالثاً با توجه به مبانی نظری ایشان که در مباحث تفسیری المیزان قابل تأمل و توجه است، از جمله؛ تأکید بر پیوستگی و انسجام آیات و حکمت توالی و چینش آیات و به ویژه بحث‌هایی که در خصوص سیاق آیات و غرض آیات قرآن مطرح می‌دارند، همگی نشان از این دارد که علامه (ره)، اگرچه از موافقان مطلق نظریه توقیفی بودن جمع آیات الهی به شمار نمی‌روند، لیکن عملاً و با توجه به رویکرد تفسیری ایشان، از موافقان تناسب میان آیات قرآن کریم هستند.

علامه طباطبایی (ره)، همواره به پیوستگی و اتصال آیات مجاور و غیر مجاور توجه دارند و از این تناسب و پیوستگی در فهم آیات شریفه، توسعه تفسیر و به ویژه بیان غرض آیات یک سوره و یا دسته‌ای از آیات قرآن کریم (به خصوص تحت عنوان بیان آیات) بهره می‌برند. در واقع، در نگاه مفسر المیزان یک غرض کلی بر کتاب قرآن سایه افکنده است و در سوره‌ها و آیات قرآن کریم نیز هم جهت با همان غرض کلی (هدایت)، اغراض دیگری مطمح نظر قرار می‌گیرد. علاوه بر موارد مذکور، علامه طباطبایی (ره)، از تدبر در سیاق آیات

سوره و بهره‌گیری از قرائن آیات، به نوعی از بحث تناسب آیات برای توضیح زمان نزول آیات (آیاتی که با هم نازل شده‌اند) و محل نزول و شأن نزول آیات نیز استفاده می‌کند. این مبانی نظری و رویکرد عملی در تفسیر آیات قرآن کریم همانطور که در متن تحقیق مشاهده شد به وضوح در تفسیر آیات سوره‌های جزء ۲۸ قرآن کریم نیز نمود دارد و قابل برداشت است. توضیح این که در ۹ سوره مورد بررسی در قالب جزء ۲۸ قرآن کریم، مشاهده شد که مفسر توجه خاصی به سیاق و اتصال عبارات و آیات قبل و بعد و وجه تعلیل و ارتباط آن‌ها دارد و لذا علاوه بر تبیین غرض و هدف کل آیات یا مجموعه‌ای از آیات نزدیک در هر یک از سوره‌ها، از مصادیق مختلف تناسب ظاهری و ادبی، تناسب موضوعی و تناسب مفهومی نیز در توضیح و تفسیر آیات قرآن کریم، بهره می‌گیرد.



کتابنامه

۱. القرآن الکریم.
۲. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ حجتی، محمدباقر، (۱۳۶۳)، تفسیر کاشف: ترسیمی از چهره موزون سور قرآن و روابط آیات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. ابن فارس، أحمد، (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغه، جلد پنجم، محقق: عبدالسلام محمد هارون: نشر دارالفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، جلد دهم، بیروت: نشر دارالفکر.
۵. الزرکشی، محمد بن عبد الله، (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
۶. ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۷۵)، «چهره پیوسته قرآن»، نشریه صحیفه مبین، شماره هشتم.
۷. برزگر نصرآبادی، محمد، (۱۳۹۰)، مبانی تناسب آیات در سوره‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی: تهران.
۸. بقاعی، برهان الدین أبی الحسن، (۱۴۱۵ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، تحقیق: عبدالرزاق غالب المهدی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. بکرائی، واحد، (۱۳۸۹)، بررسی آیات سور جزء سی‌ام از دیدگاه علم تناسب، پایان‌نامه گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی.
۱۰. پرجم، اعظم؛ رحیمی، معصومه، (۱۳۹۰)، بررسی دو نگرش سعید حوی و علامه طباطبایی در تناسب و پیوستگی آیات و سوره‌ها، نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۶.

تفسیر المیزان و چگونگی تناسب لفظی و معنوی آیات قرآن در سور جزء ۲۸ ۶۱

۱۱. پورحسین، قاسم، (۱۳۸۳)، «سیاق در قرآن»، نشریه پیام جاویدان، شماره پنجم.
۱۲. حوی، سعید، (۱۴۲۱ق)، الأساس فی التفسیر، جلد اول، چاپ سوم، قاهره: دارالسلام.
۱۳. خامه‌گر، محمد، (۱۳۷۶)، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
۱۵. رجبی، محمود، (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۶. سلیمانی، احمد؛ گرجیان، محمدمهدی، (۱۳۹۵)، تناسب آیات و افق‌های تازه در تفسیر قرآن با تأکید بر آراء علامه طباطبایی، نشریه تنعیم، سال اول، شماره دوم.
۱۷. سید قطب، ابراهیم حسین، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، قاهره: دارالشروق.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱۳۹۴)، الإیتقان فی علوم القرآن، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، جلد دوم.
۱۹. _____، (۱۴۱۶ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، جلد دوم، بیروت، نشر دارالفکر.
۲۰. شحاته، عبدالله محمود، (۱۹۸۰م)، اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم، قاهره.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۲. _____، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. فخر رازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، جلد دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. فرید، زینب، (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی تناسب آیات و سوره از دیدگاه علامه طباطبایی و بقاعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی: قم.
۲۵. فقهی‌زاده، عبدالهادی، (۱۳۷۴)، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۶. قاضی‌زاده، کاظم؛ محمدپورگرگی، علیرضا، (۱۳۹۵)، وجوه تناسب در واحد منسجم سوره، نشریه حسنا، شماره ۲۹ و ۳۰.
۲۷. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۱۲، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العمیه.
۲۸. هنزایی، ام‌البنین مقبلی، (۱۳۹۳)، بررسی تناسب آیات در تفسیر المیزان از دیدگاه علامه طباطبایی با تکیه بر سوره احزاب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شهید باهنر کرمان.